

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۸۶ - ۶۱

اهمیت جایگاه نیروهای خیر و شر در کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی زرتشتی

منصوره اسکندری^۱
عبدالحسین طریقی^۲
بهزاد سالکی^۳

چکیده

در آغاز، چیزی وجود نداشت فقط اهورامزدا خدای خرد و فرزندی، که در نور بی پایان میزیست و برادر دو قلویش، اهریمن آن روح شیطان که در تاریکی مطلق بود، وجود داشتند و میان آنها فقط خلاء و پوچی بود. اگر این دو نیروی متضاد در مقابل یکدیگر نبودند زندگی بشر تنوعی نداشت. همچنین اگر جهان فقط بر مبنای یکی از این نیروها (خیر یا شر) خلق شده بود، باز هم زندگی معنایی نداشت. لذا تقابل این دو نیروی متضاد با یکدیگر مواضع بشر را معلوم کرده. بطوریکه این دو نیرو یکی بعنوان محور نیکی‌ها و دیگری بعنوان محور بدی‌ها ظاهر گشته، و در نهایت، نبرد میان خیر و شر با درایت و آگاهی انسان به پایان می‌رسد. و نیروی خیر در این نبرد پیروز می‌گردد. بدین ترتیب پژوهش حاضر به بحث و بررسی درباره چرایی اهمیت نیروهای خیر و شر در کیهان‌شناسی و انسانی‌شناسی زرتشتی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

خیر و شر، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اهورامزدا، اهریمن، امشاسپندان.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: M.skandari6372@gmail.com

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dr-tarighi@yahoo.com

۳. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: dr-saleki25@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

طرح مسأله

محوراساسی جهان بینی زرتشتی را دومفهوم اخلاقی نیک و بد (خیر و شر) تشکیل می دهد. طبق سروده های زرتشت «گاتها» در آغاز خلقت، دواصل اساسی وجود داشته که هر دو بنوبه خود بسیار فعال بوده، بدین صورت که یکی خلاق و روشنگر، و بیانگر حیات و زایش و دیگری مخرب، که بیانگر فنا و نابودیست. از بدو آفرینش این دو گوهر همزاد اما متضاد، در اندیشه، گفتار و کردار نیک و بد پدیدار گشتند. که در این میان، نیک اندیشان، گوهر راستین را برگزیدند و بداندیشان نیز گوهر دروغین را. (یسنا ۳۰: ۳)

لذا در پی منازعه بین این دو گوهر خوب و بد (خیر و شر) در جهان، عواملی شکل می گیرند، مانند: مُرد موقتی دنیایی و پاداش جاودانی در آخرت، عدالت در روز جزا و امید به سوی بخشایش و نعمت فردوس، که بعنوان بخشی از اساس جهان بینی دین زرتشتی را تشکیل می دهند. کیهان شناسی آئین زرتشت، در پشت ها، و نیز دروندیدا کاملاً شکل گرفته و درون مایه های عمده ی آن در این بخشها ثابت گردیده که در آغاز، آفرینش عالم روحانی قبل از آفرینش عالم مادی بوده و چگونه برای نبرد با تازش اهریمن ساخته شده است، این آفرینش می بایست در برابر نیروهای شر ایستادگی کند و تازمان پیروزی نهایی خیر بر شر، تداوم یابد، و همچنین انسان که آفریده اهورامزداست، رستگاریش، در پی پیروزی بر شر و زدودن آن خواهد رسید. زیرا بر طبق آموزه های زرتشت انسان پاک فطرت و صاحب اختیار، بایستی تابع قوانین ازلی آشه و اراده اهورامزدا باشد تا بتواند نیروهای شر را کاملاً بیرون رانده و حکومت خیر مطلق را بر زمین مستقر کند. پس بدین ترتیب وی برای هر عملی که انجام می دهد کاملاً مسئول است، و هر نوع جزا و پاداش در ازای اعمال و کردارش به او تعلق خواهد گرفت.

سئوالات اساسی که در این خصوص در ذهن بسیاری از افراد مطرح می گردد، این است که:

آیا در آئین زرتشت جهان هستی و انسان از این دو نیروی متضاد متأثر گشته؟ و این تأثیر به چه میزان و چگونه است؟ همچنین برای حفظ نظم کیهانی و رستگاری، انسان بایستی چه تدابیری را بیاندهد؟

لذا در مقاله حاضر سعی گردیده که با تمسک به متون مقدس آئین زرتشت (اوستا) و دیگر منابع اصلی، تاحدودی به بررسی و بیان نقش نیروهای خیروشر در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی این آئین و نیز، پاسخ به تعدادی از سؤالات اصلی تحقیق پرداخته شود. پژوهش حاضر، بحث پیرامون اهمیت جایگاه نیروهای خیروشر در کیهان‌شناسی و انسانی‌شناسی زرتشتی می‌باشد که به عنوان اصلی معتبر و مقدس در آئین زرتشت مطرح است. روش و نوع ابزار تحقیق پژوهش حاضر براساس توصیف و تحلیل مطالب گردآوری شده از متون مقدس آئین زرتشت (اوستا) و منابع کتابخانه‌ای و ترجمه متون با نگرش بر دین‌پژوهی، فرهنگ‌شناسی و اسطوره‌شناسی توأم است که از منابع معتبر تاریخ ادیان، مردم‌شناسی فرهنگی، روانشناسی اجتماعی - دینی و پدیده‌شناسی استفاده گردیده است.

۱- اسطوره آفرینش در آئین زرتشت

اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمان ازلی رخ داده و به گونه‌ای نمادین و تخیلی به چگونگی آغاز هستی و فناى آن می‌پردازد و در نهایت اسطوره به شیوهای تمثیلی، کاوشگر هستی است. (اسماعیل پور، ۱۳۷۷ ص ۱۴)

طبق اسطوره آفرینش همانگونه که در بندهش آمده، اهورا مزدا در سه هزار سال نخست از دور دوازده هزار ساله، همه آفریدگانی را که برای نبرد با اهریمن که به مانند ابزاری مورد نیازش بودند، به صورت مینویی آفرید و پس از آن در سه هزار سال دوم، آفرینش گیتی را به کمک آفریدگان مینویی به ترتیب سروسامان داد: ابتدا آسمان، دوم آب، سوم زمین، چهارم گیاه، پنجم گوسفند و ششم انسان و سپس آتش را آفرید، و اهورا مزدا این شش آفرینش مادی را در شش موقع از سال که گاهنبار نامیده می‌شوند آفرید. همچنین هرمزد آفریدگان را دارای تن مادی (جسم) در جهان آفرید. (بهار، ۱۳۵۲ ص ۴)

طبق متون بندهش: در آغاز آفرینش همه چیز از آب آفریده شده، بجز گوسفند و انسان که نطفه آنها از آتش می‌باشد. (بندهش: ۱۳۹۵، ص ۳۹)

آفرینش مینوک (دنای روحانی) قبل از آفرینش گیتیک (دنای مادی) است که برای نبرد با تازش اهریمن ساخته شده است. (موله: ۱۳۹۵، ص ۴۳۱) طبق آموزه زرتشت،

اهورامزدا آفرینش جهان را در دو مرحله به انجام رسانید. نخست وی همه چیز را در حالتی غیر جسمانی و روحانی پدید آورد که مینو (به پهلوی: منوگ) یعنی «روحانی و غیر مادی» نامیده می‌شود. سپس وی بدان؛ هستی گیتی ای (به پهلوی: گیتیگ) بخشید. هستی گیتی ای بهتر از هستی مینوی پیشین است، چونکه در آن هستی، آفرینش کامل اهورامزدا، مزیت داشتن صورت سخت و حساس را نیز به دست آورد. با انجام این دو مرحله، عمل آفرینش، که در پهلوی موسوم است به (بند هشن) صورت گرفت. که بندهشن (آفرینش) نخستین دوره از ادوار سه گانه است که در تاریخ کیهانی بدان تقسیم می‌شود. (بویس، ۱۳۸۱: ۴۹)

۲- مینو و گیتی در کیهان شناسی زرتشتی

مینو دنیایی غیر مادی و روحانی، نادیدنی و فراتراز حس و گیتی نیز دنیایی مادی و قابل مشاهده است. آفرینش مینو که پیش از آفرینش گیتیگ است که برای نبرد با تازش اهریمن ساخته شده است، این آفرینش بایستی در برابر بدی و نیروهای شرّ ایستادگی کند و تا زمان پیروزی نهایی که در تاریخی مقدر از سوی اهورامزدا روی خواهد داد تا دوام یابد، همچنین رستگاری نیز در پی پیروزی بر بدی و نابودی کامل آن بدست خواهد آمد. بسیاری از این درون مایه‌ها در فروردین یشت تکرار می‌شود. این سرودها که به ستودن فرّوشی اهریایان ویژه شده است جنبه‌های متفاوت نقش آنان را بیان می‌کند. که توسط آنها اهورامزدا انضباط کیهان، آسمان، آبها، زمین و نیز فرزند نطفه بسته در شکم مادر را برقرار می‌کند. آنها هستند که در نبردها، پشتیبانی می‌کنند و پیروزی می‌بخشند. در زمان آغازین هم، در برابر تازش بدی ایستادند، و برانگره مینو چیره شدند و با ممکن ساختن بارش باران، به گیاهان اجازه رستن دادند. در اصل اهورامزدا آفرینش را به واسطه آنان انجام داده است و جهان را با آنها نگاه میدارد. (موله، ۱۳۹۵، ص ۴۳۰)

همانگونه که بیان گردید، اهورامزدا در سه هزار سال نخست تمامی آفریدگانش را به صورت مینویی (روحانی) خلق کرد و سپس در دوره بعدی یعنی سه هزار سال دوم به کمک آفریدگان مینویی خود دست به آفرینش گیتایی (جهان مادی) زد. پس عالم نخست به صورت مینویی و پس از آن به صورت گیتایی آفریده شد. به این ترتیب مینو بعنوان بنیان

وریشه گیتی وقانون ازلی ونخستین است که گیتی براساس آن شکل میگیرد. پس هرچیز گیتایی (مادی) صورت مینویی (غیرمادی) دارد که وجه ازلی وهمچنین جنبه غیرمادی وریشه آن به شمار می رود.

چنین جهانی مادی (گیتایی) که هر مزد با استفاده از صورتهای روحانی (مینویی) از ماده ای روشن و پاک بی عیب ونقص آفریده بود، که در قیاس با جهان مادی، انگار غیرمادی بود، و این صورت گیتایی روشن، پاک و بی عیب، پس از یورش نیروهای شر اهریمن با بدیها آمیخته گشت وماده آن به صورت کنونی خود در آمد، همچنانکه آسمان با تاریکی آلوده شد و آب نیز مزه اصلی خود را از دست داد. گیاه و گاو یکتارا آفرید و همین طور نخستین انسان یعنی کیومرث هریک به شکلی مورد تازش اهریمن قرار گرفتند. و آتش که تا آن زمان دودی نداشت با دود سیاه و تیرگی آمیخته گشت و بدین گونه هستی از صورت پاک و نیامیخته نخستین خود به کدورت، به آمیختگی و تاریکی گرائید. و در این جهان هیچ چیز از آسیب اهریمن در امان نماند و حتی خوشیهای این جهان، که هر مزد آنها را به کمال آفریده بود، با رنج و غم آمیخته گشت و همچنین خلوص و پاکی نخستین خود را از دست دادند. حضور و دخالت مینو در گیتی چنان باعث آمیختگی این دو مرتبه آفرینش در کیهان شد که در این دوره فعلی، دوره (گومیزشن) یا آمیختگی خیر با شر صورت گرفت. «در گومیزشن، آرایش (نظم و سامان) و کارآمدی اجزاء گیتی و مینو به واسطه پیوند آنها با یکدیگر و به هم پیوستگی نیروها یکی با دیگری است از جدایی نیروها یکی از دیگری آشوب و نا کارآمدی ظاهر می شود.» (لاجوردی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۴)

۳- نقش خیر و شر در کیهان‌شناسی زرتشتی

یکی از ویژگی های برجسته در جهان بینی زرتشتی، اشاره به تاثیر دو گوهر همزاد و متضاد در هستی است که هر گاه در اندیشه انسان پدیدار شوند سبب پیدایش نیکی و بدی خواهند شد.

زرتشت در مورد دو گوهر هستی در گات ها این چنین می گوید: این دو اساس و جان مایه آفرینشند و همواره در سرتاسر زندگی نقش بااهمیتی دارند. و دو همزاد که در عملکرد و ساختار با یکدیگر مخالفند ولی همزمان و همراه با یکدیگر پدیدار گشته اند. گوهرهای

متضادی که چنین نقشی را در هستی بر عهده دارند فقط با اراده و خواستِ و خردِ توانای خداوند یکتا (اهورا مزدا) بوجود آمده اند. و جهان هستی براساس این دو گوهر آغازین شکل گرفته و فعال گشته. درواقع این دو اصل متضاد درپویایی تمام پدیده های عالم یعنی ازریزترین بخش یک ماده تا بیلیونها ستاره در کهکشان، نقش دارند و طبق قانون و حکمت ازلی دادار پایدارند. زرتشت، نقش فوق العاده این دو گوهر نخستین را درسروده های خود (گاتها) این چنین بیان می کند:

اینک آنچه را که هر مرددانی باید به یاد بسپارد، و برای آنان که گوش شنوا دارند و خواستار شنیدن هستند، باز میگویم. در آغاز دو گوهر همزاد (سپننه مینو وانگره مینو) در اندیشه و گفتار و کردار نیک و بد پدیدار شدند. در این میان، نیک اندیشان، گوهر راستین را برگزیدند و بدانندیشان، گوهر دروغین را.

چون این دو گوهر به هم رسیدند، از گوهر نخستین، کاخ پرشکوه هستی برافراشته شد و ازدومین، سرای تیره نیستی بنیان گرفت. و در پایان روزگار نیز دوستداران راستی و نیکی در بارگاه مینوی از بخشایش و فروغ اهورا کامیاب خواهند شد و پیروان دروغ و بدی در دوزخ سیاه و تیرگی اهریمنی فرو خواهند افتاد. (یسنا، هات ۳۰ بند ۱، ۳، ۴)

جهان بینی دین زرتشتی زیر سلطه ی فکرت فرسوداست. همه چیز تمهید گر آن است و همه چیز به آن می انجامد. فکرتی که بر سرتاسر این کیهان شناخت چیره است، فکرت زمان پیموده و مقدر، هنگامی که روشنان به واپسین گردششان برسند، ناگزیر فرامی رسد. خود آفرینش، در زمان تازش بدی، غایت دیگری ندارد. آفرینش بدی را به کار می گیرد و هم زمان به آن گردن می نهد، اما عاقبت بر آن پیروزی شود. کیهان شناسی زرتشتی در یشت ها، و به ویژه یشت های ۱۳ و ۱۹، و نیز در ونیدا کاملاً شکل گرفته و درون مایه های عمده ی آن در این بخشها ثابت شده است. در آغاز آفرینش مینوک پیش از آفرینش گیتیک است که برای نبرد با تازش ساخته شده است، این آفرینش می باید در برابر بدی ایستادگی کند و تا زمان پیروزی نهایی که در تاریخی مقدر روی خواهد داد تداوم یابد، رستگاری در پی پیروزی بر بدی و زدودن آن خواهد رسید.

لذا در دورانی طولانی، آفریدگان اهورامزاد (آبها، گیاهان، روشنان) بی جنبش می

مانند. و در لحظه ای معین، پس از آفرینششان توسط اهورامزدا، به واسطه فروشی‌ها به جنبش درمی‌آیند. و در راهیابی معین شده توسط اهورامزاد به حرکت درمی‌آیند. و به حرکت درآوردن آنها دارای هدفی است که انجامیدن به فرسکرد است. برای این که فرسکرد بوقوع بیاید، بایستی زمان معینی بگذرد، زمانی که با جنبش ستارگان سنجیده می‌شود. که در این دوران، آفریدگان حرکت میکنند و در زمان‌هایی ثابت و از پیش تعیین شده وارد معرکه می‌شوند. (موله، ۱۳۹۵: ۴۲۹ الی ۴۳۲)

در اساطیر زردشتی هرمزد جهان مادی را می‌آفریند، پس ماده موجودی هرمزدی و مقدس است. ولی اهریمن آفرینش مادی ندارد. و آفرینش هرمزده گروهی از خلق مینوی اهریمنی تن می‌دهد تا مردم آنها را ببینند و پرهیز کنند، و یا اینکه آنان را از میان بردارند. در نه هزار سال نبرد، سه هزار سال اول همه به کام هرمزد خواهد بود. اما در سه هزار سال دوم آمیختگی نیروی هرمزدی با نیروی اهریمنی خواهد بود. و در نهایت در سه هزار سال پایانی اهریمن شکست خواهد خورد و نابود خواهد شد. هرمزد نخست شش امشاسبند را و سپس ایزدان مینوی و مادی را می‌آفریند که نگهبان جهان مینوی یا مادی اند. سپس، آسمان- آب - زمین - گیاه - جانور و در آخر انسان را می‌آفریند که هر یک وابسته به دیگری است. و در زمان تازش، اهریمن از زیر یعنی جهان تاریکی برمیخیزد تا به جهان بالا یا روشنی حمله ور شود که با بُن آسمان برخورد می‌کند و آنرا میشکافد و در درون آسمان زندانی می‌شود و دیگر قادر به بازگشت به جهان خود نمی‌باشد. و بر اثر حمله او آبها شور می‌شوند، درون زمین که سوراخ شده است، دوزخ و جایگاه دیوان خبیث می‌گردد. (بهار، ۱۳۹۰: ص ۵۴ الی ۵۸)

اهورامزدا بین زمین و آسمان، ابتدا ستارگان و سپس خورشید و آنگاه ماه را آفرید و ستاره‌ای را به عنوان میخ، وسط آسمان قرار داد. [بهار، ۱۳۷۸، ص ۴۳-۴۴] اهورامزدا ستارگانی قرار داد تا با اهریمن نبرد کنند و مانع او شوند. همچنین طبق باور زرتشتی، اهورامزدا آسمان را به هفت طبقه آفرید. پایه‌ی اول ابر است، جالب اینکه ستارگان در طبقه دوم و سوم قرار دارند. ماه در طبقه‌ای بالاتر از ستارگان و خورشید نیز بالاتر از ماه قرار دارد. [بهار، ۱۳۷۸، ص ۴۸].

همچنین یکی از نشانه‌های ظهور منجی آخرالزمان (سوشیانت) و نزدیک شدن پایان تاریخ در دیانت زرتشتی، بارش ستارگان است. (هینلز، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳).

۴- بن‌مایه‌های اسطوره خیر و شر در ایران باستان

آریائیان از ابتدا، به دو مبداء خیر و شر معتقد بودند، دریکسو خدایان، و درسویی دیگر اهریمنان قرار داشتند. امور نیک و خیر مانند روشنایی و باران رابه خدایان نسبت میدادند و امور بد و شر، همچون تاریکی و سیاهی رابه اهریمنان. (معین ۱۳۸۸: ب ۴۳)

متون مقدس زرتشتی دو روح اولیه ای را شرح میدهند که این دو هرگز با هم سازگاری ندارند. زرتشت درباره ی دو نیرویی متضاد بحث میکند که در آغاز خلقت وجود داشتند. آن نیرویی که منزه و پاک بود به آنکه شر و خبیث بود گفت: "نه تفکر ما نه آموزه های ما نه اهداف ما نه گزینشهای ما نه سخنان ما نه اعمال ما نه اعتقادات ما و نه روحهای ما با هم سازگاری ندارند". (یسن ۴۵ بند ۲) و همچنین در بخش دیگری میگوید: "در آغاز خلقت دو روح به صورت همزاد به وجود آمدند یکی به نیکی و دیگری به بدی در اندیشه و گفتار و کردار شناخته شده بودند. از این دو روح آنکه متعلق به دروغ بود کارهای بد را برگزید اما سپتامینو که متعلق به نیکی بود، پارسایی و راستی را برگزید" (یسن ۴۷ بند ۲-۳).

قابل ذکر است که، ایزدان و فرورها (فروه وشی) و امشاسبندان، نیروهای اهورایی هستند و دیوان، خرفستران و تمامی نیروهای شر نیروهای اهریمنی. در آغاز نبرد اهریمن و اهورامزدا، رویارویی دو نیروی خیر و شر کاملاً هویدا است. یعنی تمامی مصادیق شر در برابر تمامی مصادیق خیر در صحنه نبرد حاضر می گردند و در برابر هم صف آرای می کنند، به عبارت دیگر، خیر و شر منحصراً به اهریمن و هرمزد نیست و تمام عالم طبیعت را از جزئی ترین تا کلی ترین آنها در بر می گیرد. در بندهش این صحنه نبرد به خوبی ترسیم گردیده:

" اهریمن بر ضد هرمزد، اکومن بر ضد بهمن، آندر بر ضد اریهشت، ساوول بر ضد شهر یورو... خشم بر ضد سروش، دروغ میهوخ بر ضد راستی، سخن جادویی بر ضد مانسریاک، فره بودبی بود بر ضد میانه روی که دین به است، اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد بر ضد اندیشه نیک، گفتار نیکو کردار نیک، استویهاد که وای بدتر خوانده

شود، برضد رام که وای نیکو است،... کین برضد آشتی، درد برضد رامش، گند برضد خوشبویی، تاریکی برضد روشنی، زهر برضد انوش، تلخی برضد شیرینی، پستی برضد رادی، تباہ گری برضد آفرینش بخردانه، زمستان برضد تابستان، سردی برضد گرمی، خشکی برضد خوییدی، دوزخی بودن برضد بهشتی بودند، تبهکاری برضد درستکاری" (فرنیغ دادگی ۱۳۷۸: ص ۵۵)

۵- اهمیت نظم کیهانی دردین زرتشت

نظم کیهانی و انضباط حاکم بر کائنات، از مباحث اساسی کیهان‌شناسی زرتشتی است و کیهان‌شناسی دینی در کنار مبدأشناسی، ساختارشناسی و فرجام‌شناسی جهان مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع نظم کیهانی همان نظم امور موجود در جهان می‌باشد. یکی از آموزه‌های محوری مطرح شده در اوستا، آموزه نظم کیهانی یا طبیعی است. اصطلاحی که دلالت بر این نظم دارد، «اشه یا ارته» است. لفظ «اشه» اصطلاحی گاهانی است و حدود ۱۸۰ بار بر زبان خود زرتشت جاری شده (بویس، ۱۳۸۸: ص ۲۷۸)، و هم در یشت‌ها و یسنا بارها به آن اشاره شده است. اشه از دیدگاه زرتشت، حقیقت، راستی و اقدام به حقوق فردی است و در اصل قانون ازلی و ابدی اهورایی است. بر اساس اشه، هر کنشی واکنشی دارد و هر رفتاری اعم از خوب و بد، پاداش خود را در پی خواهد داشت.

«نظم» در لغت به معنای آراستن، برپاداشتن و ترتیب‌دادن است (معین، ۱۳۸۵: ص ۱۵۲۹). لفظ فارسی «کیهان» (kayhan) نیز، از gehan پهلوی و آن از gaihanam ایران باستان آمده است (عالیخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰) که همان معنای دنیا، گیتی، و جهان را می‌رساند (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱۹). بر این اساس، هستی در پرتو نظم ازلی در جریان است. اصطلاح معادل نظم کیهانی در آیین زرتشت، «اشه» نام دارد. «اشه» یا «ارته» در ایران باستان مفهوم گسترده‌ای دارد که بعنوان اصلی مهم در آیین زرتشتی است. زرتشت غالباً در گاتاها دین خود را آیین راستی می‌خواند، چنان که می‌گوید: «ای مزدا! راستی برای سودبخشیدن در آیین ما نهاده شده است و دروغ نیز برای زیان رسانیدن در کیش دروغین. لذا آرزومندم که همه گمراهان به منش نیک بپیوندند، و من نیز همه را از پیوند با دروغ پرستان باز میدارم. (یسنا، هات ۴۹: ۳). به دفعات در گاتاها نام اهورامزدا با راستی ذکر شده است:

«این سرودهای ستایش از مزدا اهورایست که اراده‌اش با راستی دمساز است (یسناء، هات ۲۹: ۷) بدین صورت زرتشت از راستی، که بعنوان منبع تمام نیکی‌ها است، منشی پاک آرزو می‌کند و همچنین در بندهشتم همین هات (۲۹)، اراده اهورامزدا را با راستی یکی می‌داند «ای مزدا! اوست که اندیشه ما ودین راستین را در جهان بگستراند. از این رو گفتاری دلپذیر بدو دادیم» و در هات پنجاه بند ششم، نام مزدا با راستی مترادف است. ای مزدا! «پامبرنیایش گزار تو، آن دوست راستی بر آورده است: بشود که آفریدگار خرد، آیین خویش را به من بیاموزد تا زبانم جز به راستی سخن نگوید» در اوستا، با وجود راستی و دروغ دو محور خیر و شر مورد توجه قرار می‌گیرد: «راستی بهترین نیکی است. کامروا باد راست، ناکام باد دروغ و...» (یسناء، هات ۱۲: ۱۱)

در ارتباط با جایگاه اشته در دین زردشتی می‌توان بیان کرد که اشته قانون راستی و عدالت است. هیچ عمل و رفتاری، راست نیست، مگر آنکه با اشته سازگار باشد. اشته اساس دین زردشتی است. اهورامزدا اشته و اشته اهورامزداست. بنابراین ۸ از هات ۲۸: خواست اهورامزدا اشته یکی است. ای بهتر! از توبه‌تری خواستارم. ای اهورا! که با بهترین راستی دمسازی.

بدین صورت باور بسیاری از اندیشمندان این است که اعتقاد به اشته و راستی در طول صدها و هزاران سال تکامل یافته است، یعنی آن زمان که هندوایرانیان در استپ‌های آسیای مرکزی زندگی شبانی داشتند. ممکن است مفهوم «اشته» برگرفته از آگاهی‌های این چوپانان از ضرب آهنگ‌های تکرارشونده زندگی باشد. ایزدانی چون میتره، ورونه، سروران پیمان و سوگند، ظاهراً منعکس‌کننده توجه آنها به قوانین حاکم بر جامعه و ترس آنها از تخلف از این قوانین است؛ ترسی که باعث می‌شده است این قوانین را آشکارا و نهان رعایت کنند (بویس و دیگران، ص ۸۹).

لذا، خرد منبع اصلی دانش و آگاهی درست است؛ و همچنین دانش اساس و بنیان قانون است. در ثنویت آئین زرتشت، حرص و آز بعنوان رقیب شیطانی برای خرد می‌باشد. این دوگانگی که گاه و بی‌گاه بر آن تأکید می‌گردد با ستیز و مخالفت میان راستی و دروغ صورت می‌گیرد. و خرد منشأ همه خوبی‌ها و حرص و آز نیز منشأ همه بدی‌ها

درهستی است. نظم و عدالت، از حکمت و دانایی و بی‌نظمی و بی‌عدالتی نیز از کج اندیشی صادر می‌گردد. که در کتب پهلوی بر جنبه های اخلاقی آن نیز تأکید گردیده. (زرت: ۱۳۸۷، ص ۴۸۳).

لذا معلوم گشت که منشأ آفرینش اشه همان خرد است که اهورامزدا به نیروی خرد، اشه را خلق کرده است. بدین علت، خرد منشأ تمام خوبی‌ها و نیروهای خیر است.

۶- اهمیت آفرینش انسان در آئین زرتشت

همانطور که بیان شد هدف از آفرینش جهان، پیروزی اهورامزدا بر نیروهای شر و اهریمنی است، یعنی پیروزی که برابر است با فرسودگی که مهمترین آفریدگان گیتی و انسان به همین دلیل آفریده شده اند. و زرتشت هم هدف را گرایش انسان به راستی و همکاری با اهورا مزدا در پیشرفت جهان و آفرینش و نیز حرکت به سوی رسایی و پارسایی می‌داند. که در این خصوص انسان با خود می‌اندیشد، که: (ما مردمان به چه دلیل در این گیتی آفریده شدیم و چه کاری باید انجام دهیم؟) و در پاسخ نوشته شده است: (آفریدگان آفریده شده اند تا با درست کاری خواست‌دار (اهورامزدا) را اجرا کنند و با نیکی تمام، نیک بختی محدود آفریدگان را که به هیچ دشمنی و ترسی دچار نیست برقرار کنند. در حالی که فرسودگی مخالفی نداشته باشد). همچنین انسان وظیفه شناس مزدایی می‌گوید: "ما باید در گیتی چنان باشیم که وضعیت خود همچون خدمتگزار دله و شهریاری برتر دادار را بهترین حال نگاه داریم". راهی که به این وضعیت خدمتگزار یک دله می‌رساند با خرد آشکار و باراستی آزموده شده و با نیکی برمی‌دهد، اما والاترین راهی که به آن می‌رساند آن است که در اندیشه با راست کرداری سپینته مینو هم آهنگ باشند. و با آگاهی از علت، چنان کنند و نکنند که در دین گفته شده است. اورمزد به زرتشت گفت: "درهستی پاکت به و هومنه پیوند. چون اگر تو درهستی پاکت به و هومنه پیوندی، آنگاه دوراه را، راه نیک بختی و راه بدبختی را، خواهی شناخت." (موله، ۱۳۹۵، ص ۴۶۲-۴۶۱)

پرسید دانا از مینوی خرد که انسان به نیکی ویدی کدام یک شناخته تراست؟

مینوی خرد پاسخ داد: انسانی که با نیکان نشست و برخاست کند، در همه جا نامش را به نیکنامی و خوبی خواهند برد، و آن شخص با صفات نیک شناخته می‌شود. و آن کسی

که نشست و برخاستش با بدان باشد، نامش رابه بدنای خواهد برد، و آن شخص با صفات بد شناخته می‌شود. همچنانکه گفته شده است، کسی که با نیکان پیوندد، نیکی و کسی که با بدان پیوندد، بدی را با خود آورد. مانند باد که وقتی به بوی بدی برخورد، گندی و چون به بوی خوش برخورد، عطر با خود آورد. پس بدان که آن کسی که کارش با نیکان است، نیکی و آن که کارش با بدان است، بدی پذیرد. (تفضلی، آموزگار، ۱۳۹۷ ص ۶۸)

دین زرتشت، همانگونه که در نحوه آفرینش انسان، با ادیان دیگر تفاوت‌هایی دارد، در تبیین هدف خلقت انسان هم، با ادیان مذکور، اختلاف دارد، آنگونه که در اوستا آمده: خداوند، آدمی را آفرید، و به او آزادی‌گزینش داد تا با بهره‌برداری از خرد نیک به راستی گراید و در پیشرفت جهان و آفرینش، همکار اهورا مزدا باشد، حرکت به سوی رسایی و رسا شدن... (مهر، ۱۳۷۴، ص ۵۵)

لذا آفرینش بعنوان دامی است که اهریمن در آن به تله افتاده می‌افتد و کلیه نیروهای خیر (مقدسان و ایزدان، مینوها و موجودات انتزاعی) به عنوان رزمندگان اهورامزدا در این جدال کیهانی علیه اهریمن وارد نبرد می‌شوند و انسان هم در راستای کمک به اهورامزدا و دیگر رزمندگان او در خط مقدم این نبرد قرار دارد. انسان نیز می‌بایست نقش خود را در این جدال علیه اهریمن ایفا کند. یعنی با اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک، کردار نیک و همچنین با تولید مثل خود و با بارور ساختن زمین برای زندگی کردن در این نبرد شرکت میکند. چرا که انسان، گیاه و حیوان آفریده‌های اهورامزدا هستند و باید تاپیروزی‌نهایی بر علیه مرگ و شر بکنند. مرگ و شری که به وسیله‌ی اهریمن وارد این جهان شده است. و سرانجام توسط نیروهای خیر مغلوب و نابود خواهد شد.

۷- تاثیر تقابل نیروهای خیر و شر در اسطوره آفرینش نخستین انسان در آئین زرتشت

نخستین انسان در اساطیر زرتشتی کیومرث است. کیومرث در شاهنامه‌ی حکیم فردوسی، نخستین شاه پیشدادی است، اما در اوستا و کتب پهلوی نخستین بشر است. (پورداد، ۱۳۷۷ ص ۲ / ۲۱۲) این اسم ایرانی است و در اوستا (کَیه مَرْتَن) آمده است، کیه به معنای جان و زندگی و مرتن یعنی فانی و درگذشتنی، به عبارت دیگر (مردم و انسان)، چون

سرانجام بشر فناورگ است. به این مناسبت او را (مَرْتَم) یا همان مرتوم نامیده‌اند (همان: ۴۶) و شکل امروزی آن همان مردم است. در نامه دینکرد نیز آمده است: کیومرث «نخستین گِل شاه بود» (بهار، ۱۳۶۲، ۱۵۱)، «...[کیومرث] را گِل شاه خوانند؛ زیرا از گِل آفریده شده است» (بلعمی، ۱۱۲-۱۱۳).

تخمه‌ی همه‌ی مردمان کیومرث است، و در میان فرزندان کیومرث، شریف‌ترین تبار، تبار شهریاران است. از زمان فرواک این تبار میان چهارپسر او: هوشنگ، انگت، اینگت و تاز تقسیم می‌شود. پس از آنکه ایزد نریوسنگ، منوچهر، شاه ایران را زاد در میان فرزندان هوشنگ از همه شریف‌تر ابرج، نیای آریایان است و فرزندان او نیز از همه شریف‌ترند. (موله، ۱۳۹۵، ص ۴۹۲)

اوستا کیومرث را سرسلسله نژاد آریایی می‌داند. این پادشاه گذشته از این که بنیاد پادشاهی را در ایران پایه‌ریزی کرد، و به کار مردم و کشور سامان بخشید، سردسته‌ی ایرانیان به شمار رفته و آنچه‌ان شاهی بوده که خدای یگانه را شناخته و به دستور و آموزش او گوش فر داده است، او نخستین کسی است که در پرتوی آیین ایزدی مردم را به سوی فرهنگ و هنر و دانش پیش برده است. (رضایی، ۱۳۸۸ ص ۲۰)

بنابراسطوره ایرانی، اورمزد کیومرث نمونه اولیه بشر را آفرید. پیش از حمله روح شریر (اهریمن)، اورمزد در زمانی که کیومرث به خواب رفته بود، بر روی تنش عرقی بوجود آورد، و از این عرق پسر جوان نورانی پانزده ساله‌ای را آفرید، پس از این که اهریمن، کیومرث را کشت، از تن او بخشهای گوناگون جهان درست شد. از نطفه‌ی او گیای روئید، و از این گیاه بود که نخستین زوج بشری بوجود آمد. (کریستن سن، ۱۳۸۳، ص ۴۸) طبق روایت بندهش: پیش از آنکه اهریمن بتواند بر کیومرث بتازد، هرمزد کیومرث را به خواب فرو برد. و هنگامیکه وی از خواب بیدار شد، جهان را مانند شب تاریک و سیاه دید و زمین نیز پُرگشته بود از تازش حیوانات شر و درنده و ماه و خورشید هم از حرکت ایستاده بودند. همچنین غرَش دیوان همه جا را فرا گرفته بود. اهریمن نیز در اندیشه خود می‌گفت: همه آفریدگان هرمزد را از بین برده‌ام و فقط کیومرث مانده است.

لذا کیومرث با خود اینگونه تدبیر کرد که در این وضعیت، پذیرش مرگ بهتر است

و امیدوار بود که از تخمه او مردمانی بوجود خواهند آمد که در جهان کار ثواب (کرفه) خواهند کرد. (دادگی، فرنخ، ۱۳۹۵: ص ۵۳)

یکی از روایتهای مهم اساطیر ملل، موضوع پیدایش انسان و چگونگی پراکندگی نسل واقوام آدمی بر کره خاکی است. اسطوره ایرانی چنین بن مایه ای را با داستان جفت نخستین مشی و مشیانه (مهلی و مهلیانه) گزارش می کند. روایتی که در بندهش در مورد این جفت نخستین آمده است:

هنگامی که کیومرث در گذشت، نطفه خود را بخشید، آن نطفه ها با روشنی خورشید پاک شدند و دو بخشی از آن را نریوسنگ و بخش دیگری از آن را سپندارمذ در نزد خود نگهداری کردند. چهل سال (آن نطفه) در زمین بود. با به سر رسیدن چهل سال، از آن نطفه گیاه ریواس با یک ساقه و پانزده برگ، (مهلی مهلیانه) از زمین روئیدند. بدین صورت که یکی بر دیگری پیوسته، و هم شکل بودند. در بین هردوی آنها فره ایزدی برآمد، انگار که هر سه آنها با هم بودند و اصلاً پیدانبود که کدام نرو کدام ماده و کدام آنها فره اورمزد آفریدگار بود، همان فره ایزدی که مردمان بدان آفریده شدند..... سپس هردوی آنها از گیاه پیکری تبدیل به انسان پیکری گشتند و آن فره به مینوی درون ایشان وارد شد که همان روح و روان است. اکنون نیز مردم به مانند درختی فراز رسته اند که بوجود آورنده ده ها گونه از مردمانند. هرمزد به مشی و مشیانه گفت که: شما مردمید، پدر و مادر جهانیان هستید، همچنانکه شمارا با والاترین عقل آفریده ام، پس تمامی کارها را با عقلی سلیم انجام دهید، یعنی با اندیشه نیک، بیاندیشد، با گفتار نیک، بگوئید، با کردار نیک، بورزید، دیوان را ستایش نکنید. هنگامی که یکی به دیگری اندیشید، هردو نخست این را اندیشیدند که او مردم است. ایشان چون به راه افتادند نخستین کنشی که کردند این بود که بیندیشیدند. نخستین سخنی که گفتند، این بود که: هرمزد آب و زمین و گیاه و جانور و ستاره و ماه و خورشید و همه چیز را که از پرهیزکاری پدید آید، آفرید که بن و بر خوانند. پس اهریمن، به اندیشه ایشان تازید و اندیشه ایشان را پلید گردانید و ایشان نیز گفتند: که اهریمن آفریده آب و زمین و گیاه و دیگر چیزهاست. چنین گفته شده است که آن نخستین دروغگویی که توسط ایشان به هم بافته شد، به ابایست دیوان گفته شد. اهریمن نخستین

شادی را که از ایشان به دست آورد این بود که بواسطه دروغگویی هردو دروغگو و مرتد شدن دورانشان تاتن پسین متعلق به دوزخ است. آنها سی روز غذایشان گیاهان بود و خود را به پوششی از گیاه نهفتند. پس از سی روز، بزی سپیدموی برای آنها فرستاده شد و با دهان شیرستان را مکیدند..... پس به سی شبانه روز دیگر به گوسفند تیره رنگی سپید آرواره برایشان فرستاده شد و او را کشتند و از درخت کُنار و شمشاد، آتش افکندند، زیرا آن هردو درخت آتش دهنده ترند..... آن گوسفند را کباب کردند و به اندازه سرمشت گوشت در آتش نهادند و گفتند که این بهره آتش و از آن پاره ای به آسمان افکندند و گفتند که از این بهره ایزدان .

ایشان ، نخست پوششی از پوستین پوشیدند، پس ، به موی ، آنگاه نخ برشتند و آن رشته را جامه کردند و پوشیدند و گودالی بکنند ، آهن را بدان بگداختند، به سنگ آهن را بریدند و از آن تیغی ساختند، درخت را بدان بریدند، آن پدشخورچوبین را آراستند. از آن ناسپاسی که کردند دیوان بدان ستنه شدند. مشی و مشیانه خود به خود رشک بدفراز بردند. به سوی یکدیگر فرار رفتند. هم را زدند ، دریدند و موی رودند. پس دیوان از تاریکی ، بانک کردند که مردم اید ، دیوار پرستید تا رشک بنشیند. مشیانه فراز جست ، شیر گاودوشیدند، بسوی شمال فراز ریخت . بدان دیوپرستی ، دیوان نیرومند شدند و هر دو ایشان را چنان خشک و ن بکردند که تا به سر رسیدن پنجاه سال کامه هم آمیزی شان نبود و اگرشان نیز هم آمیزی بود، آنگاه فرزندی شان نبود. و بابه سر رسیدن پنجاه سال شش جفت نروماده از ایشان پدید آمد. برادرخواهر را به زنی گرفت . همه ، با مشی و مشیانه که جفت نخستین بودند هفت جفت شدند. از هر یک از ایشان تا پنجاه سال فرزندی آمد، خود به یک صد سال بمردند از هر جفتی گونه به گونه ای بود و بسیاری جهانیان از ایشان بود (بندهش ص ۸۳ - ۸۱)

لذا طبق متون فوق با یورش نیروهای شرّ و اهریمنی نخستین آفرینش انسانی اورمزد یعنی کیومرث کشته شد اما از صلب او دو وجود پاک و خیر یعنی مشی و مشیانه بوجود آمدند ، و باز هم نیروهای شرّ از پاننشستند و این دو وجود بهشتی را فریب دادند و همین حيله اهریمن سبب گشت تا از مشی و مشیانه نسل آدمی تداوم یابد و در نهایت خیر بر شرّ پیروز

گردد و اهریمن برای همیشه نابود گردد.

۸- تاثیر عملکرد نیروهای خیر و شر در خودشناسی انسان در آئین زرتشت

خودشناسی از آن نوع مباحث مهمی است که در ادیان و مذاهب مختلف نیز به آن سفارش شده است و انسان توسط خودشناسی به شناخت خدا می‌رسد. همچنین خودشناسی مهمترین عامل به سعادت رسیدن آدمی در دنیای مادی و معنوی است، همچنانکه بزرگان علم اخلاق با توجه به روایات و آموزه‌های دینی از خودشناسی به عنوان سودمندترین علوم یاد کرده‌اند. و آنرا نخستین مرحله سیر و سلوک اخلاقی بر شمرده‌اند.

در آئین زرتشت نیز مانند سایر ادیان موضوع خودسازی دارای جایگاه ویژه‌ای است و در سخنان زرتشت و متون دینی زرتشتی به این مهم سفارش فراوان شده از سخنان زرتشت در گاتها آمده که انسان دارای دو بعد اساسی و قابل تشخیص است که یکی بعد جسمانی (تنو) و دیگری بعد غیرمادی (اورون یا روح و روان) می‌باشد. در متون مقدس اوستا، پنج نیروی درونی و اساسی برای انسان ذکر شده که عبارتند از:

۱- اهو (جان): این نیرو ارتباط مستقیمی با جسم انسان دارد و با رشد جسم آن هم رشد می‌کند و در نهایت با مرگ انسان از بین می‌رود.

۲- دئتا (وجدان): در اصطلاح به معنای آئین و در اوستا نیز به معنای وجدان می‌باشد. همچنین این نیرو به معنای راهنمای انسان در زندگی است.

۳- بئوذ (فهم و ادراک): این درک و فهم با جان بوجود می‌آید ولی با مرگ انسان از بین نمی‌رود و تا داوری در جهان دیگر باقیست.

۴- اورون (روح و روان): توسط این نیروست که انسان می‌تواند با اراده و اختیار کامل خود راه نیک و بد را تشخیص و انتخاب کند. و در واقع این نیرو مسئول کردار آدمی است.

۵- فرَوهر (فره و شی): این نیرو بعنوان نورایزدی (اهورامزدا) است که در همه جانداران جهان ساری و جاری است.

از منظر آئین زرتشت، اهورامزدا نورالانوار است و تمامی موجودات جهان از مقام اولوهِیت اوصاد شده‌اند و فرامین الهی او به دستگیری شش امشاسبند مقدس و جاوید

اجرامی گردد که اسامی آنها عبارتند از:

- وهومنه (بهمن) فرشته پندار نیک و نهاد خوب
 - اشه و همیشه (اردیبهشت) فرشته راستی و عدالت
 - خشره و نیری (شهریور) فرشته شهر یاری و مدینه فاضله
 - هئوروات (خرداد) فرشته رسایی و کامیابی
 - امرتات (امرداد) فرشته بقا و جاودانگی
 - سپننه آرمیتی (اسفندارمذ) فرشته رحمت و باروری (قدیانی ، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸)
- و انسان از طریق امشاسبندان ، همان صفات و فضایل روحانی به سعادت معنوی و تقرّب به ایزد یکتا یعنی اهورامزدا نائل می گردد. که از طریق پالایش درونی به صفات اهورایی آراسته می شود. و با گذراندن مقامات سیروسلوک معنوی به کمال و رسایی و سرانجام به خود آگاهی نایل می گردد. در واقع امشاسبندان ، وجودهایی مطلق و روحانی هستند که مظهر اخلاق به شمار می روند. (رضی ۱۳۵۶، ص، ۱۰۵ - ۱۰۶)

اهمیت جایگاه انسان در کیهانی شناسی زرتشتی

در میان همه ی آفریدگان ، انسان آفریده ی برتر است. اوبه رغم همه ی قید و بندهایی که برش نهاده اند، حتی به رغم میرایش ، سرور آفرینش در نبرد با دروغ (دروغ) است. در کتاب سوم دینکرد آمده است:

با کنش آفرینندگان ی دادار، انسان اوج سرشتها و نیروهای همه ی آفریدگان مینوگیتی است، چون اوبه دیگر آفریدگان گیتی فرمان می دهد و نیروهای آنان را گردمی آورد. همه ی آنان را برای شکست دادن کامل دروغ با نیروی همه ی آفریدگان، اداره می کند. جوهر آنان روان است. چندان که در سپاه دادار شکست دادن کامل دروغ ضروری است، به آفریدگان مینوک جامه ای نوپوشانده می شود تا ابزار گیتیک آنان باشد. در دوره های مختلف نطفه ی آمیخته از جوهر مینوک و ابزار گیتیک به صورت کم و بیش کامل بر دروغ پیروز میشود. انسان رهبر آفریدگان گیتی در نبرد بزرگ کیهانی در برابر دروغ است. اما سهم واقعی او در بالا، در مینوست. او جز زمانی که انجام دادن کارش اقتضا کند به گیتی فرود نمی آید، سپس، همیشه، به بالابازی می گردد چون جوهر مینوک او تغییر پذیر

نیست: آنان که در برابر دروج ایستادگی کرده اند، بلافاصله پس از مرگ و آنان که مغلوب اوشده اند در زمان فرشکرد. آنان نجات بخش خواهند شد و اینان نجات یافته، اما دراصل هر دو گروه یک کار می کنند.

جایگاه و اهمیت انسان در کیهان از همه آفریدگان گیتی بالاتر است. و انسان جوهرش نامیرا و قالبش درحالت آمیزش جداشدنی است. و این برترین موجود از الگویی الهی پیروی می کند. زیرا جوهر او مینوی است و نابودنشده و حتی پرتویی از روشنائی الهی بر آفریدگان است. و به همین سبب هرگز زیر نفوذ بدی قرار نخواهد گرفت. درحالی که دیوان و خود اهریمن به گونه ای چاره ناپذیر شکست خورده و نابود خواهند شد.

و چنانسان برتر از ستارگان، ماه، خورشید و آتش اورمزد آفریده شد و چرا در دین او بزرگتر و برتر از دیگر آفریدگان مینو و گیتی خوانده شده است؟

دلیلش آن است که انسان به خوبی می تواند با خردش تشخیص دهد. چون آفریدگان به لطف فضیلت هایشان از دیگر آفریدگان بزرگ تر یا بهترند. به عنوان فضیلت، راستی برترین است، درحالی که خردبزار برتر است، و انجام دادن خواست الهی اساسی ترین چیز است. چون این سه چیز با هم در پیوند است: راستی با خرد آشکار می شود و سود آن انجام دادن خواست دادار است، انجام دادن خواست دادار با خرد و دین راستی است، خواست دادار را خرد و راستی می گستراند. که این هر سه مورد در نزد آفریدگان بسیار ولی در مردمان اهر از همه کامل تر است. پس دادار آفریدگان را آفرید تا خواست او را انجام دهند. «گزاردن خواست دادار به انجام دادن دو کار است: پرستش پرستش دادار نیک کرد او دوست آفرینش خود او است و دیگر نبرد نبرد با دروج است که دشمن آفرینش دادار است. و انسان اهرادر گیتی هوشیار است تا دروج ویرانگر او را فریب ندهد، چون با خردش خواست دادار را که خود خوشنود می کند و نیکی را می شناسد، و از آن چه که باید پرهیز کرد پرهیز می کند تا بزرگی و نیکی در مینو از این هم مسلم تر باشد. (موله: ۱۳۹۵، ص ۵۱۰الی ۵۲۰)

۱۰- نقش نیروهای خیروشر در رستگاری و کمال انسان در آیین زرتشت

در دین زرتشتی مهم‌ترین موانع رستگاری انسان، دروغ و گناه است. همچنین بارزترین عوامل نجات و رستگاری، ایمان به اهورامزدا و پیروی از قانون آشه (راستی) و سه اصل اساسی دین زرتشت: هومنه (منش نیک)، هوخته (گفتار نیک) و هورسته (کردار نیک) و نیز باور به منجی و از همه مهم‌تر تأکید بر کار و کوشش می‌باشد. در باور زرتشیان، دائماً نیروهای خیروشر با یکدیگر در جنگ و جدالند، و انسان نیز در این جدال نه تنها بعنوان ابزاریست برای مقابله اهورامزدا با اهریمن، بلکه در درون خویش نیز درگیر این جنگ و جدال است. اینک از آن دو گوهر نخستین (سپننه مینو و انگره مینو) سخن می‌گوییم: آن گوهر پاک به گوهر پلید گفت: «نه منش، نه آموزش، نه خرد، نه آیین، نه گفتار، نه کردار، نه روان ما با هم سازگار است». (یسنا هات ۴۵: ۲)

همواره اهریمن در آسیب رساندن به دانایی انسان و تقدیری که برای انسان رقم خورده، می‌تواند مانعی جدی در به کمال رسیدن او باشد. اخلاقی زندگی کردن در دین زرتشت، تنها به رعایت اوامروناهی و به حفاظت از مخلوقات مزدایی، محدود نمی‌گردد. بلکه احیای خصلتهای اخلاقی برآمده از امشاسپندان نیز امری ضروری است تا آنجا که این خصال در جان انسان جای گیرد و جانش با ایزدان و امشاسپندان، پیوند خورد. «پرسیدانا از مینوی خرد که اورمزد و امشاسپندان و بهشت خوشبوی و خرم را به چه بیشتر می‌توان از آن خویش کرد، و اهریمن بدکار و دیوان را چگونه می‌توان شکست داد، و ازدوزخ بی بها و تاریک چگونه می‌توان رست؟ مینوی خرد پاسخ داد: وقتی که مینوی خرد را به پشتیبانی گیرند، و مینوی خوشحالی و خرسندی را همچون سلاح وزره برتن بپوشند، و مینوی راستی را همچون سپردانند، و مینوی سپاسداری را همچون گرز، و مینوی کامل فکری را همچون کمان، و مینوی بخشندگی را به مانند تیر، و مینوی عهد و پیمان را به مانند نیزه، و مینوی تلاش و همت را همچون سلاح محافظ دارند. و مینوی تقدیر را به پناه گیرند.» (مینوی خرد ۱۳۹۷: ص ۵۷)

بر اساس تعالیم زرتشت، همه انسانها، باید از شش فرشته جاوید (امشاسپندان) که بعنوان صفات ایزدی می‌باشند، بهره گیرند و آن صفات الهی را در خود پرورش دهند تا

به وسیله آنها به سعادت و کمال برسند. سالک پس از طی این شش امشاسپند و صفات ایزدی به مقام هفتم که مقام وصال است میرسد. چنین شخصی در این جهان به اوج کمال رسیده و در عالم دیگر رستگار خواهد گشت. این مقام مقدس در گفتار زرتشت چنین بیان گردیده: «آری، اکنون من میخواهم آن کشوری که دارای اندیشه و کردار و گفتار نیک است، با دیدگانم بنگرم. و پس از آنکه به وسیله راستی، اهورا مزدا را شناختم، درود و ستایش خود را در گرزمان (سرای دعا و نیایش) تقدیم او کنم.» (ایرانی، ۱۳۶۱، ص ۹۷).

بدین ترتیب، انسان کامل و متعالی در آئین زرتشت، با داشتن سه ویژگی مهم قادر است تا در عرش الهی، یعنی سرای نور بی پایان به دیدار اهورا مزدا نایل گردد:

۱. راستی و درستی و کلیه صفات الهی را در نهاد خودش نهادینه کند.

۲. از خداوند اطاعت و به خلق او محبت ورزد.

۳. اعتقاد به جاودانگی و حیات ابدی داشته باشد. بدین ترتیب از آنچه که بیان گردید

دایره ای پدید می آید، که آن را «دایره کمال» می توان، خواند. (دوستخواه، ۱۳۷۷،

نتیجه گیری

درهستی‌شناسی زرتشتی هدف از آفرینش جهان مادی و تداوم آن میدان نبرد با شر و اهریمن معرفی شده است و انسان نیروی اصلی این پیکار است. و جهان رادونیروست که بر آن حکومت می‌کند، یک مثبت و خیر (سپنتامینو) و دیگری منفی و شر (انگره مینو). در جهان بینی زرتشتی، خوب و بد، پاک و پلید، مثبت و منفی، دو گوهری هستند که لازم و ملزوم یکدیگرند. و در انسان‌شناسی مزدایی، طبق برخی از بندهای اوستا، بویژه آنچه در گاتها آمده است که انسان موجودیست که دارای دو بعد مادی و روحانی است و در وجودش این دو بعد اساسی یعنی روح و روان (اورون) و جسم و تن (تنو) از یکدیگر قابل تشخیص می‌باشند. و بعد مادی و روحانی وجود انسان از یکدیگر متمایز شده اند. اورون یا همان روح و روان انسان، بعد معنوی و فناپذیر است که در گاهان، از آن فراوان سخن به میان آمده است. لذا هدف از آفرینش انسان این است که زندگانی تازه گردد و جهان نو شود و این مستلزم نبرد با نیروهای شر و اهریمنی است و تازه گردانیدن زندگانی یک راه دارد که آن هم راه درست و اشویست و هم آهنگ شدن با قانون ازل است. و انسان در این جهان، باید برابر این قانون، که بنیاد زندگی را تشکیل می‌دهد، رفتار نماید. و اما کسی که برخلاف این نظام جهانی رفتار نماید، بدو آشموخ (دیوی فریب کار) یا زنده راستی (اشه) می‌گویند. همواره سرنوشت یک فرد زرتشتی بسته به این است که از میان اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک یا اینکه مخالف آنها، یعنی اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد کدام را برگزیند، که طبق این انتخابش در جهان مینوی و روز پسین مورد داوری الهی قرار خواهد گرفت.

فهرست منابع

۱. آذرگشسب، اردشیر، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: فروهر، ۱۳۷۲ش
۲. اسماعیل پور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۷۷ش
۳. ایرانی، دینشاه، فلسفه ایران باستان جلد ۵، تهران: فروهر، ۱۳۶۱ش
۴. ایرانی، دینشاه. اخلاق ایران باستان، تهران: فروهر، ۱۳۶۱ش
۵. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، نشر مژک، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱
۶. بیرونی، ابوریحان، التفهیم الاوائل صناعه التتجیم، ترجمه: جلال الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۶۲ش
۷. بار، کای، آسموسن، بویس، مری، مجموعه مقالات دیانت زرتشتی، ترجمه: فریدون وهمن، تهران: جامی، ۱۳۸۶ش
۸. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه: همایون صنعتی زاده، تهران: توس، ۱۳۷۴ش
۹. بهار، مهرداد، (مصحح)، بندهش، تهران: توس، ۱۳۸۰ش
۱۰. بهار، مهرداد، اساطیر ایران، تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲ و ۱۳۶۲ش
۱۱. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه ۱۳۷۸ش
۱۲. بلعمی، ابوعلی، تاریخ بلعمی، مصحح: محمدتقی بهار به کوشش محمد گنابادی، تهران: زوار، ۱۳۹۲ش
۱۳. بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه: اکبردانا سرشت تهران: ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۵۲ش
۱۴. پورداد، ابراهیم، اوستا، تهران: فروهر، ۱۳۵۳ش
۱۵. پورداد، ابراهیم، یشتها، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷ش
۱۶. پورداد، ابراهیم، یسنا، تهران: اساطیر، ۱۳۸۷ش

۱۷. پیکر، زهرا، ارتباط آتش و اشته در ادیان باستانی ایران و هند: تهران: حافظ، ۱۳۷۸ ش
۱۸. پیاده کوهسار، ابوالقاسم. بررسی تطبیقی «ریته» و «اشه» در هند و ایران باستان، پژوهش‌نامه ادیان سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۶ ش
۱۹. پارسا، احمد، بن مایه‌های اسطوره‌ای حکایت خیروشردر هفت پیکر نظامی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۳۸، بهار ۱۳۹۴ ش
۲۰. تفضلی، احمد، مینوی خرد، تهران: توس ۱۳۹۷ ش
۲۱. جوزف کارنوی، آلبرت، اساطیر ایران، ترجمه: احمد طباطبایی، علمی فرهنگی، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۳ ش
۲۲. خلیلی محله، منیژه، نگاه اسطوره‌ای به آفرینش در آئین زرتشت، فصل‌نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۰ ش
۲۳. دادگی، فریخ، بندهشن، گزارنده: مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۹۵ و ۱۳۷۸ ش
۲۴. دوستخواه، جلیل، اوستا، تهران: گلشن و مروارید، ۱۳۷۹ و ۱۳۷۷ ش
۲۵. رضی، هاشم، زردشت پیامبر ایران باستان، تهران: بهجت، ۱۳۸۱ ش
۲۶. رضی، هاشم، زرتشت و تعالیم او، تهران: فروهر، چاپ ششم، ۱۳۵۶ ش
۲۷. راسل هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه: باجلان فرخی، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۳
۲۸. رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب دین‌های ایرانیان، تهران: دُر، چاپ نهم، ۱۳۸۸ ش
۲۹. رضایی، مهدی، آفرینش و مرگ در اساطیر ایران، تهران: اساطیر چاپ اول، ۱۳۸۳ ش
۳۰. ریاضی هروی، شیدا-شمشیری، بابک-رحیمیان، سعید، بررسی مقایسه‌ای مفهوم خودشناسی از نگاه آئین زرتشت و اسلام، نشریه هفت آسمان، سال چهاردهم، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۱ ش
۳۱. رسولی، آرزو، مقاله: داستان آفرینش انسان از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی، نشریه تاریخ ایران، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۲ ش
۳۲. زهر، آر. سی. طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ترجمه: تیمور قادری، تهران: امیرکبیر، ش ۱۳۸۷

۳۳. زادسپرم، گزیده‌های زادسپرم. ترجمه: محمد تقی راشد محصل. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ش
۳۴. زرین پوش، فرزانه، فروهر، نگاره‌ی بالدارزرتشتیان، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره هفتم، شماره ۲۰، ۱۳۸۴ش
۳۵. سرخوش کرتیس، وستا، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه: عباس مخبر تهران: مرکز، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳ش
۳۶. ساروخانی، باقر؛ درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶ش
۳۷. شاهرخ، کیخسرو، زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت، تهران: چشمه، ۱۳۸۶ش
۳۸. شاکر، محمد کاظم - موسوی، فاطمه سادات، کمال پذیری انسان، نقطه عزیمت در گفتمان ادیان، نشریه انسان پژوهی، دوره هشتم، شماره ۲۶، ۱۳۹۰ش
۳۹. عاطف راد، مهدی، اسطوره‌ی آتش در ایران باستان، <https://www.atefrad.org>
۴۰. عباسی، مهناز، بررسی تغییرات الگوی فرهنگی پاکی و ناپاکی در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش
۴۱. عرب گلپایگانی، عصمت، اساطیر ایران باستان، تهران: هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۶ش
۴۲. عقیقی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
۴۳. عالیخانی، بابک، بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی تهران: هرمس، ۱۳۷۹ش
۴۴. قائم مقامی، احمد رضا، ملاحظاتی کوتاه درباره بعضی قوای نفس در متون زرتشتی، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸۷، ۱۳۸۷ش
۴۵. کراسنولسکا، آنا، چند چهره کلیدی در اساطیر گاه شماری ایرانی، ترجمه: ژاله متحدین، تهران: ورجاوند، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲ش
۴۶. کریستین سن، آرتور، نخستین انسان نخستین شهریار، مترجمان: ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران: چشمه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش

۴۷. کولمن، سیمون و واتسون، هلن؛ درآمدی به انسان‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: سیمرغ، ۱۳۷۲ش
۴۸. گیویان، عبدالله، مردم‌شناسی اجتماعات دینی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ش
۴۹. گرجی، زهیر و ماخانی، سعید و محمد، کیهان‌شناختی اندیشه سیاسی ایران شهری با تاکید بر منابع زرتشتی، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، ش ۳۱، ۱۳۹۶ش
۵۰. گشتاسب، فرزانه، تاملی در آداب و رسوم زرتشتیان ایران، پژوهشنامه ادیان، سال ۶ شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش
۵۱. لاجوردی، فاطمه، مینو و گیتی و مراتب وجود در فلسفه اشراق، مقاله علمی پژوهشی ۶ دوره اول شماره ۲ پاییز ۱۳۸۳ش
۵۲. معین، محمد، تحلیل هفت پیکر نظامی، تهران: دانشگاه ۱۳۸۸ش
۵۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، گردآوری: عزیزالله علی‌زاده، تهران: راه رشد، ۱۳۸۵ش
۵۴. مشهدی نوش آبادی و محمد، رجبی گوندره، عباس، آئین طهارت در دین زرتشت، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام شماره ۱۸، تابستان ۹۲ش
۵۵. نوری، قهرمان و دهقان زاده، سجاد، نظم کیهانی در اوستا و داثوده چینک، مقاله علمی پژوهشی، دوره ۲ شماره ۴ پاییز ۱۳۹۳ش
۵۶. فرنیغ، آذر، دینکرد سوم، ترجمه: فریدون فضیلت، تهران: فرهنگ دهخدا، ۱۳۸۴ش
۵۷. قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران: فروهر، ۱۳۸۱ش
۵۸. ویلیامز، آلن، جستاری در فلسفه زرتشتی، ترجمه: سید سعید رضا منتظری، تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸ش
۵۹. مهر، فرهنگ، دینی نواز دینی کهن، تهران: دیبا، ۱۳۷۴ش
۶۰. نراقی، احسان؛ علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، تهران: نیکان، ۱۳۶۳ش
۶۱. وحیدی، رستم، نیایش آتش در دین زرتشتی، تهران: فروهر، ۱۳۸۱ش
۶۲. ولو، وای و رابرت، فرانک؛ انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه: علیرضا قبادی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۷۸ش

۶۳. هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران:

چشمه، ۱۳۸۵ش

۶۴. یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران:

سروش، ۱۳۶۹ش

65. Idem, "Ardwahist", (1998) Encyclopedia Iranica, Ehsan Yarshater (ed.), California, Mazda Publishers.

66. Eliade, Mercea (ed.) (1981). Encyclopedia of Religion, Vol. 15, London: Macmillan.

67. Long, J. Bruce (1981). "Cosmic Law", in: Encyclopedia of Religion, VOL. 4, Mircea Eliade (ed.), London: Macmillan

68. Gallagher – Belinda, (2006) Myths & legends. Miles Kelly.